

بیان مضامین تعلیمی در *خلد برین وحشی* با استفاده از *خبر و انشای*

طلبی

زهرا فاتحی^۱

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

یحیی طالبیان

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۳۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲)

چکیده

وحشی بافقی یکی از برجسته‌ترین سخن‌سرایان سده دهم هجری و از سرآمدان مکتب وقوع است که در قالب‌های مختلف شعری، طبع‌آزمایی کرده‌است و در همه این قالب‌ها، اشعار درخوری از خود بر جای گذاشته‌است. او در منظومه *خلد برین* به مسائل تعلیمی و اخلاقی اشاره می‌کند و در این راه، به گونه مؤثری از ابزارهای بلاغی، به‌ویژه علم معانی بهره می‌برد. وحشی با استفاده از علم معانی و ابزارهای مناسب آن، مانند جملات امری، خبری و پرسشی به شیوه‌های مؤثر، موفق به انتقال مفاهیم اخلاقی و تعلیمی آن‌ها به مخاطب خود شده‌است و در عین حال، بدین شیوه حضور مخاطب را در متن نیز برجسته‌تر نشان داده‌است. در این پژوهش، به بررسی این دسته از جملات و معانی ثانویه آن‌ها پرداخته شده، لطایف و ظرایف سه مبحث از علم معانی، یعنی جملات امری، خبری و پرسشی و نیز نقش و تأثیر آن‌ها در انتقال مؤثر مضامین تعلیمی شاعر در یک متن تعلیمی شرح و تبیین شده‌است.

واژه‌های کلیدی: وحشی بافقی، خبر و انشاء، ادبیات تعلیمی، علم معانی، *خلد برین*.

۱. مقدمه

ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین انواع ادبی است که هدف آن، آموزش و تعلیم می‌باشد. با این تعریف، تمام نوشته‌های دینی، اخلاقی، حکمی، انتقادی، اجتماعی، علمی و پند و اندرزها و یا حتی متونی که یک شاخه فنی را آموزش می‌دهند، جزء ادبیات تعلیمی محسوب می‌شوند (ر.ک؛ انوشه، ۱۳۶۷: ۴۴/۲). بر اساس این تعریف، می‌توان کتاب‌های تعلیمی را به دو دسته تقسیم‌بندی نمود: ۱- ادبیات تعلیمی در معنی خاص خود که شامل دستورالعمل‌هایی است که به آموزش یک فن یا هنر می‌پردازد. ۲- ادبیات تعلیمی در معنای عام آن که به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن‌ها، مسائل اخلاقی عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و... است (ر.ک؛ نجاریان، ۱۳۹۰: ۱۷۷). در ادبیات فارسی، یکی از عواملی که باعث رونق و شکوفایی و دوام ادبیات تعلیمی در فرهنگ ایرانی گردیده، شکل‌گیری عرفان و تصوف بوده‌است. عارفان که فرهنگ کناره‌گیری از دنیا را پیش گرفته بودند، پیوسته انسان‌ها را به ناپایداری دنیا و گذرا بودن لذت‌ها و غم‌های آن متوجه می‌کردند. این تفکر، زمینه پرهیز از بسیاری از رذایل اخلاقی را پیش آورد. به همین سبب، بسیاری از عارفان و شاعران ما در آثار خود به بیان مسائل مذهبی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، پند و اندرز و... پرداخته‌اند. از جمله این شاعران می‌توان به سنایی، سعدی، مولوی، وحشی و... اشاره کرد. پس آثار آن‌ها جزو ادبیات تعلیمی محسوب می‌شوند. یکی از شاعران معروف قرن دهم هجری، وحشی بافقی است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین جنبه تعلیمی و تربیتی اشعار وحشی، پرداختن به مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی است. او مانند دیگر شاعران برجسته ادب فارسی به اهمیت موضوع و ارزش اخلاق در ساماندهی زندگی اجتماعی انسان‌ها کاملاً واقف است. به همین دلیل، بخش عمده‌ای از اشعار خود را به تحسین فضایل و نکوهش رذایل اخلاقی اختصاص داده‌است. از میان آثار وحشی، آنچه را که بتوان اثر تعلیمی صرف نامید، منظومه حکمی و اخلاقی *خلد برین* است که به تقلید از کتاب *مخزن الاسرار* نظامی گنجوی سروده شده‌است.

خلد برین از نظر وزن و بحر نیز شبیه منظومه *مخزن الاسرار* نظامی می‌باشد و ۵۸۶ بیت دارد. این منظومه کوتاه، شباهت‌ها و اشتراکات زیادی با *مخزن الاسرار* دارد. بی‌تردید وحشی یکی از شاعران مبرز دوران صفوی است که به سبب سبک ویژه و خاص خویش در سخنوری اهمیت دارد. ارزش وحشی آن است که اندیشه‌ها و احساسات نازک، عواطف، مضمون‌ها و نکته‌های شاعرانه دقیق را در زبانی بسیار ساده و نزدیک به زبان محاوره بیان کرده‌است و گاهی این سادگی و نزدیکی به حدی می‌رسد که گویی

یک گفتار روزانه است. زبان و شیوه بیان اندیشه او ریشه در چشمه پاک، زلال و زاینده زبان گفتار دارد و آن قدر صادقانه سخن می گوید که سازها، سوزها، رازها و حالها در کلام او به خوبی جلوه گر می شوند. وحشی در این اثر خود، به شیوه ای هنرمندانه به مسائل تعلیمی می پردازد و در این راه از توفیق بسیاری می یابد. از ابزارهای بلاغی کارآمد که نقش عمده ای در بیان اندیشه های تعلیمی و ابلاغ پیام های اخلاقی وحشی در این اثر داشته است، علم معانی است. در این پژوهش، نقش علم معانی در انتقال پیام های تعلیمی *خلد برین*، بررسی شده است تا مشخص شود هنگامی که وحشی خواسته است در بیان مطالب به پند و اندرز و تعلیم روی آورد، از چه نوع جمله هایی استفاده کرده است و چگونه آن ها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن ها برای شناخت اندیشه وحشی و اهداف تعلیمی او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به کار رفته در ابیات تعلیمی و اغراض و معانی ثانویه آن ها، چگونگی پیوند زبان وحشی با اهداف تعلیمی او در این اثر مشخص می شود. همچنین، در این پژوهش مشخص می شود که آیا وحشی به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات به موعظه و تعلیم پرداخته، یا برای تأثیر بیشتر از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه بهره برده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش هایی که در باب تأثیر علم معانی در ادبیات تعلیمی صورت گرفته، محدود است که از آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- میرباقری فرد و محمدی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی و نقش پرسش در آثار عین القضاة همدانی»، بحث پرسش را در آثار تعلیمی عین القضاة بررسی کرده اند.
- محمودی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی اغراض بلاغی خبر و انشاء در سبک تعلیمی ناصر خسرو»، اشعار ناصر خسرو را از این منظر بررسی کرده است.
- جمالی (۱۳۹۵)، در مقاله «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشاء در علم معانی» به نقد و تحلیل خبر و انشای طلبی پرداخته است.

۳. اهمیت ادبیات تعلیمی در *خلد برین* وحشی

از جمله ویژگی های شعر وحشی، توجه به شیوه های بلاغی و علم معانی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب است. دانش معانی که از شاخه های بلاغت اسلامی است، «فتی است که به واسطه آن، احوال لفظ معلوم می شود از نظر مطابقت با مقتضای حال» (همایی، ۱۳۷۴: ۸۷) و موضوعات مطرح در آن، از قبیل انواع جملات خبری و انشایی و نیز کاربرد و معانی ثانویه آن ها همگی در ارتباط مستقیم با لایه های درونی اندیشه گوینده

است. بنابراین، در اصطلاح علمای فن، «علم معانی دانشی است که زیبایی و تأثیر آثار ادبی را از دیدگاه ساختمان کلام مورد بحث قرار می‌دهد، بدین منظور که سخن بنا به مقتضای حال مخاطب، یعنی متناسب با میزان فهم و ادراک شنونده بیان گردد» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۵۷).

با بررسی ابیات منظومه *خلد برین* مشخص شد که از مجموع ۵۸۶ بیت، ۱۰۰ بیت درونمایه تعلیمی دارد که با توجه به قرار داشتن این اثر در ژانر تعلیمی، این تعداد نشان‌دهنده اهمیت و ارزش بُعد تعلیمی اثر برای شاعر است.

همچنین، با توجه به نتایج پژوهش، وحشی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود به ترتیب از جملات خبری، امری و پرسشی بیشترین استفاده را کرده‌است. در این پژوهش، تنها این دسته از جملات با تکیه بر دانش معانی و اهمیت معانی ثانویه جملات در آن بررسی می‌شوند.

۴. جملات انشائی

«انشاء» در لغت به معنای «ایجاد» است و اگر خبر را جمله‌ای بدانیم که در ذات آن احتمال صدق و کذب وجود دارد و به عبارتی، می‌توان آن را راست یا دروغ پنداشت: «انشاء کلامی است که بالذات محتمل صدق و کذب نیست» (هاشمی، ۱۳۷۹: ۷۵). بنابراین، چون انشاء از واقع‌های در خارج خبر نمی‌دهد، نمی‌توان آن را دروغ یا راست دانست:

«مطابقت خبر با واقعیت خارجی بدین معناست که جمله خبری از وقوع یا لاوقوع امری در خارج خبر می‌دهد، در حالی که مطابقت نداشتن انشاء، حکایت از وقوع یا لاوقوع امری در خارج نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمی‌شود؛ چنان‌که طلب فعل «زدن» در لفظ بز و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ مزن. طلب محبوب در لفظ تمنّا کاشکی و کاش وجود دارد» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱).

به طور کلی، انشاء به دو گونه طلبی و غیرطلبی تقسیم می‌شود. انشای طلبی در منابع بلاغی اهمیت بسیار دارد، به طوری که بحث‌های مفصلی درباره ابواب آن در علم معانی مطرح شده‌است، اما در مقابل با وجود اهمیت مبحث انشای غیرطلبی، آن را خارج از حوزه بررسی‌های بلاغی تلقی کرده‌اند و در آثار بلاغی، تنها به اقسام آن اشاره شده‌است.

در بیشتر آثار بلاغی، منظور از بحث انشاء، انشای طلبی است و انشای غیرطلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را «نخواستن و طلب نکردن» یا «طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد» دانسته‌اند (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۳۲). اما انشای طلبی، خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب؛ یعنی امر و نهی، و طبق نظر قدما، شامل تمنّی، امر، نهی، استفهام، ندا و دعا

می‌شود. با توجه به اینکه وحشی، دو دسته از جملات انشای طلبی، یعنی جملات امری و پرسشی را برای بیان اندیشه‌های تعلیمی استفاده کرده‌است، در این بخش، به این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن‌ها در ابیات مربوط پرداخته می‌شود.

۱.۴. جملات پرسشی

پرسش یا استفهام یکی از اقسام انشای طلبی است که به دلیل پذیرش معانی ثانوی و تأثیرگذاری در نحوه انتقال مفهوم و عاطفه به مخاطب، از ابواب مهم علم معانی محسوب می‌شود. در کتاب‌های بلاغی فارسی نیز تعاریفی ارائه شده‌است که با توجه به منابع عربی، مباحثی درباره استفهام مطرح کرده‌اند و در مواردی، حتی الفاظی که به عنوان «الفاظ استفهام» معرفی شده، عربی است. تعریفی که استاد همایی از پرسش ارائه می‌کند، نسبت به سایر منابع فارسی، رساتر است: «استفهام در حقیقت، به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده جاهل به امری باشد» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

پرسش تا زمانی که به قصد طلب درک مجهول به کار رود، در معنای حقیقی خود به کار رفته‌است و در صورتی که گوینده انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد، در معنای ثانوی خود به کار گرفته شده‌است. این نوع پرسش را پرسش بلاغی، هنری، ادبی، استفهام مجازی و یا استفهام در معنای ثانویه نیز می‌نامند (ر.ک: کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) و «در این موارد، پرسشگر نمی‌پرسد تا بداند، بلکه هدف اصلی کلام او، شگفتی، توییح، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق، بهتر و بیشتر می‌تواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند» (آقاحسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

بر همین اساس، بررسی جملات پرسشی مربوط به ابیات تعلیمی *خلد برین* نیز نشان می‌دهد بیشتر جملاتی که در این آثار به شکل پرسشی به کار رفته، برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب بیان نشده‌است. این گونه پرسش‌ها نوعی تأیید گرفتن ذهنی از مخاطب است و در حقیقت، همان شیوه‌ای است که ارسطو در *فن خطابه* متذکر می‌شود: «برخی تأثیرات پرسش با شیوه‌ای که سخنرانی‌نویسان به کار می‌برند، بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳). پرسش چه در معنای حقیقی و چه در معنای ثانویه، در ایجاد ارتباط متکلم با مخاطبان بسیار مؤثر است؛ زیرا جملات پرسشی مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفتگو سهیم می‌کنند.

در جملات پرسشی حیطة تحقیق، گاهی وحشی بی‌آنکه انتظار دریافت پاسخی را داشته باشد، با توجه به احوال مخاطب، تنها تقاضای تأیید از سوی او را دارد. در این

گونه موارد، حتی اگر مخاطب اطلاعی از موضوع نیز نداشته باشد، وحشی با مثال این گونه پرسش‌ها، به نوعی از مخاطب تأیید درونی می‌گیرد و مطلب را چنان بدیهی جلوه می‌دهد که ضمیر مخاطب ناآگاه را راهنمایی می‌کند و او را از این طریق وادار به پذیرش تعلیمات خود می‌کند و «این امر به فرایند آموزش و تعلیم کمک می‌کند و از آنجا که حضور مخاطب احساس می‌شود، تأثیر کلام نیز افزایش می‌یابد» (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). ابیات زیر نمونه‌ای از این شیوه تعلیم وحشی از طریق جملات پرسشی است:

«بخت تو بر چیست چه داری بگو کیستی و در چه شماری بگو»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۷۰۱).

«آن که گذر بر سر نیکی فکند کی رسد از اهل گزندش گزند»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۷۰۹).

همچنین، گاهی وحشی برای بیان نکات تعلیمی خود همزمان با ذکر پرسش، پاسخ آن را نیز بیان می‌کند. این شیوه پرسش سبب می‌شود که جستجو و تلاش ذهنی مخاطب برای یافتن پاسخ متوقف شود و تنها بر پاسخ بیان شده تمرکز کند. بیت زیر نمونه‌ای از این شیوه تعلیم وحشی است که پس از مذمت دنیا، مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهد و خطاب به او می‌گوید:

«کیست در این دیر حوادث‌پذیر غیر خُم می‌که بُود گوشه‌گیر»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۸۳).

در مواردی نیز وحشی از طریق جملات پرسشی انکاری به اهداف تعلیمی خود دست می‌یابد. او به یاری این دسته از جملات پرسشی و با لحن تحکم‌آمیز نهفته در آن‌ها، از سوی مخاطبان آگاه به مطلب را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر، از این جملات به صورت عاملی برای گرفتن تأیید ذهنی از مخاطبان ناآشنا بهره می‌برد. هدف اصلی در استفهام انکاری، اثبات چیزی است که به شکل انکاری از آن پرسش می‌شود. بنابراین، وحشی از این ابزار بلاغی با زیرکی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون اینکه به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد:

«کس چه کند دشمنی زشتخو دشمن او بس عمل زشت او»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).

بیان جملات پرسشی با اغراض ثانویه، شیوه‌های متفاوت بیان پرسش و در نظر گرفتن احوال مخاطب و استفاده از این ابزار بلاغی برای انتقال پیام‌های تعلیمی است،

علاوه بر اینکه سبب ارتباط نزدیک وحشی با مخاطبان شده، به پویایی و زنده بودن متن نیز کمک شایانی کرده است؛ زیرا اگر این گونه مطالب تعلیمی پی‌درپی و در قالب ارشاد و نصیحت و نیز بدون در نظر گرفتن احوال مخاطب بیان شده بود، برای مخاطب جاذبه‌ای نداشت و متن را به مجموعه‌ای از اندرزهای خشک و خسته‌کننده تبدیل می‌کرد:

«این شیوه در زنده کردن متن و ایجاد ارتباط با هر خواننده‌ای مؤثر است؛ زیرا در جمله‌هایی که مایه توییح، امر و تنبیه دارد، اولاً موضع برتر گوینده از آن رو که مطلب را می‌داند، در متن پررنگ می‌شود و ثانیاً مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهد. در نتیجه، به القای مفاهیم و مطالب آموزشی کمک می‌کند» (میرباقری‌فرد و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

جملات پرسشی به کار رفته در ابیات تعلیمی *خلد برین*، به ترتیب بسامد در اغراض

زیر به کار رفته‌اند:

○ توییح و ملامت:

«این همه دُر‌ها که سرشک تو سود گریه‌کنان از غم دل تا به کی؟ هیچ به گل چند نشینی؟ بکوش	نیست دلت را چو مفرح، چه سود؟ سبزه‌صفت پای به گل تا به کی؟ زهر طلب، در ره یاری بنوش» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).
«ای ز دمت رفته جهانی به رنج	چند توان بود چو دم بادسنج» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۱).
«چیست تو را ای همه تن حرص و آز؟ با همه کس نخوت زردار چیست؟	همچو خم زر دهن از خنده باز» این همه عجب از دو سه دینار چیست؟» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۵).
«جور به پاداش وفا می‌کنی	باد تو را شرم، چها می‌کنی؟!» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).

○ استفهام انکاری:

«آن که گذر بر سر نیکی فکند	کی رسد از اهل گزندش گزند؟!» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۹).
«گر ز هنر نیست غرض نام و بس	به ز تو شهرت که دهد نام کس» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).
«کی به همه عمر دم ما کند	آنچه به یک دم دم عیسی کند» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۶).
«بگذر از این خاک و گل عمرگاه	چند کنی آینه دل سیاه؟!» (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۵).

○ هشدار:

«وحشی از این دربه‌دری سود چیست؟ چیست از این مقصد و مقصود چیست؟
به که در خانه برآری به گل تا نروى از در کس منفعل»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۸۵).

○ تأسف:

«کو پَر همّت که از اینجا پریم؟ رخت به سَرمَنزل عنقا بریم»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۸۷).

به هنگام کاربرد جملات پرسشی، وحشی معنای ثانویه توبیخ و ملامت را بیشتر از سایر موارد به کار برده‌است. در حقیقت، او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم، سعی کرده‌است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی، ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. وحشی برای دل نبستن به دنیا، توبیخ حرص و طمع، عزلت و گوشه‌نشینی و... این دسته از جملات را استفاده می‌کند و سعی می‌کند با ابزار بلاغی پرسش خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه کند و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از توبیخ و ملامت، بیشترین جملات پرسشی در معنای انکار هستند و وحشی از این طریق بدون اینکه به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. همچنین، پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته‌سازی پیام است. بنابراین، وحشی از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند.

۲.۴. جملات امری

در *معالم‌البلاغه*، امر به این شکل تعریف شده‌است:

«امر طلب، حصول فعل است بر سبیل استعلاء؛ یعنی در حالتی که طالب خود را در شأن و مرتبه بالاتر از کسی بداند که از او طلب می‌کند؛ خواه در حق و واقع چنین باشد، یا نه، بلکه فقط به حسب ادعای طالب باشد. لذا در صورت دوم، طالب را به اسائه ادب موصوف کنند» (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۴۹).

غرض اصلی از امر، تقاضا یا دستور است، اما در ادبیات در مقاصد مجازی هم به کار می‌رود. این دسته از جملات، در انتقال اندیشه‌های تعلیمی وحشی نقش بسیار مهمی دارند.

در آثار بلاغی معمولاً معنای ثانوی جملات امری، «ارشاد» است، اما در ابیات تعلیمی که هدف اصلی متکلم، تعلیم و ارشاد مخاطب است، بهتر است ارشاد در جایگاه معنای اصلی و حقیقی جمله در نظر گرفته شود؛ زیرا غرض اصلی همه جملات تعلیمی، به‌ویژه

در امر و نهی، ارشاد مخاطب است. در بررسی ابیات تعلیمی خسرو و شیرین، بسیاری از جملات با معنای حقیقی و به قصد ارشاد به کار رفته‌اند، اما وحشی علاوه بر اینکه امر را در ابیات بسیاری به طور مستقیم و برای ارشاد و راهنمایی به کار برده، در مواردی نیز علاوه بر غرض اصلی ارشاد و راهنمایی، ابیات تعلیمی را با معنای ثانویه زیر بیان کرده‌است:

○ تشویق:

«همّت اگر پایه‌فزایی کند پشّه بی‌بال همایی کند
همّت اگر سلسله‌جنبان شود مور تواند که سلیمان شود»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۰).

○ هشدار:

«خیز و میفکن به درشتان نظر زانکه زیان بصر است آن نظر»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۵).

○ توبیخ و ملامت:

«گر کست از راه خوشامد ستود آنچه نباشی تو، نباید شنود
حرف خوشامد مشنو کان خطاست مضحکه خلق مشو کان بلاست»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۲).

چنان که ملاحظه می‌شود، جملات امر در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند، اما معنای ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها، «تشویق» است. وحشی از طریق جملات امری مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون کند. پس از کاربرد جملات امری با معنای تشویق، بیشترین جملات امری با معنای ثانویه هشدار به کار رفته‌اند. وحشی در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق هشدار، مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به مقوله هشدار و تحذیر را بهره‌گیری از جملات امری می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات امری در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معنای ثانویه آن‌ها، مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد؛ به عنوان مثال، در بخش‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مخاطب او پادشاه و بزرگان هستند، از جملات امری بهره می‌برد که درونمایه آن‌ها پند و اندرز است و معنای ثانویه تشویق و ترغیب را در خود دارند تا از این طریق به گونه‌ای محترمانه، مخاطب را به نیکی و عدالت تشویق کند. جملات امری که با این معنای ثانویه همراه باشند، کلام را به سوی سادگی و بعد عاطفی بیشتری هدایت می‌کند و بر

مخاطبان تأثیرگذارتر است. همچنین، در بسیاری از ابیاتی که روی سخن وحشی با تمام مخاطبان خود است، مانند حکیمی آگاه به مسائل دینی و دنیوی سعی می‌کند از طریق جملات امری و با معنای هشدار و تحذیر، مخاطب خود را ارشاد و هدایت کند. گاهی نیز برای ارشاد مخاطب از جملات امری با معنای ثانویه توبیخ و ملامت بهره می‌گیرد. بنابراین، وحشی با کاربرد جملات امری در این معنا، مخاطب خود را به طور غیرمستقیم از بدی باز می‌دارد و به خوبی رهنمون می‌شود.

در مجموع، کاربرد جملات امری در معانی حقیقی و ثانویه، بیانگر اهمیت آن در اندیشه تعلیمی وحشی است. بسامد بالای جملات امری در میان ابیات تعلیمی خسرو و شیرین نشان از اهمیت متکلم برای حضور مخاطب در متن دارد؛ زیرا ارشاد، هشدار، تشویق، توبیخ و ملامت در صورتی از سوی متکلم معقول است که او به حضور مخاطب اعتقاد، و با او ارتباط نزدیکی در متن داشته باشد. یکی از ارکان اصلی تأثیرگذاری ادبیات تعلیمی، تقویت ارتباط میان متکلم و مخاطب است و متکلم هوشیار و موفق کسی است که از ابزارهای طبیعی مخاطب‌محور در ایجاد ارتباط کلامی بهره ببرد. جملاتی که به طور مستقیم مخاطب را مورد توجه قرار دهند، ابزارهای طبیعی ایجاد ارتباط کلامی هستند. به نظر می‌رسد که وحشی با شناخت این ویژگی ادبیات تعلیمی و کاربرد گسترده جملات خبری طلبی، جملات امر و نهی و نیز جملات پرسشی که مستقیماً مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهند، مطالب تعلیمی خود را به شیوه‌های مؤثر بیان کرده‌است.

۳.۴. جملات خبری

در علم معانی، جملات به خبری و انشائی تقسیم می‌شوند:

«خبر، سخنی است که مدلول آن در خارج (بیرون از ذهن) و جدای از گفتار وجود داشته باشد. مقصود از راست بودن خبر، هماهنگی آن با واقعیت و حقیقت است و مراد از دروغ بودن خبر، ناهماهنگ بودن آن با واقعیت است» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۹۱).

بنابراین، کلام خبری آن است که صدق و کذب را ذاتاً در ماهیت خود دارد و به وسیله آن، عمل اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد؛ یعنی فرستنده، پیام را به گیرنده منتقل می‌کند. غرض اصلی از جمله خبری، انتقال پیام به شنونده یا خواننده است، اما در آثار ادبی، غالباً خبر با انگیزه‌های هنری ابراز می‌شود و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی نیست، بلکه ایراد سخن فصیح با معانی ثانویه و بنا به مقتضای حال مخاطب، از اهداف اصلی جملات خبری در آثار ادبی است. تفتازانی جمله خبری را به سه نوع افاده حکم، افاده لازم حکم و اغراض دیگر تقسیم می‌کند (ر.ک؛ تفتازانی، بی تا: ۱۹). بر همین اساس، صاحب *هنجار گفتار* معتقد است:

«مخاطب یا عالم است به حکم کلام، یا جاهل است و جاهل یا منکر است و معتقد به خلاف و یا متردد است و درصدد سؤال و یا خالی‌الذهن. پس اگر عالم است، القای کلام به او لغو خواهد بود، مگر آنکه مقصود، غرض دیگری باشد، نه افاده حکم» (تقوی، ۱۳۶۳: ۲۱).

در آثار بلاغی، جمله خبری را به طلبی، ابتدایی و انکاری تقسیم می‌کنند. پایه این تقسیم‌بندی، توجه به مخاطب است. منظور از مخاطب، طرف مقابلی است که در کلام وجود دارد و مؤکد بودن سخن برای او شکل می‌گیرد. این مخاطب با شنونده یا خواننده عمومی کلام تفاوت دارد. مخاطب جمله‌های خبری طلبی، ابتدایی و انکاری در کلام حضور دارد و متکلم برای مؤثر نمودن سخن خود، با به‌کارگیری عوامل تأکید یا به‌کار بستن آن‌ها، با توجه به وضعیت مخاطب حاضر در سخن، کلام خود را تنظیم می‌کند. در خبر ابتدایی که مخاطب خالی‌الذهن است، متکلم از ترک تأکید، در خبر طلبی که مخاطب سائل است، از حسن تأکید و در خبر انکاری که مخاطب منکر است، از وجوب تأکید بهره می‌گیرد، اما در هر حال، به‌کارگیری عوامل تأکید در مقابل مخاطب سائل یا منکر، مطابق با اقتضای حال مخاطب است.

همچنین، در کتاب‌های بلاغی، درباره مقاصد و اغراض چنین آمده است:

«مقاصد و اغراض خبر، یکی فایده و دیگری لازم فایده خبر است. زمانی که به مخاطب یا شنونده خبری داده شود که از آن اطلاع ندارد، فایده خبر می‌گویند، ولی اگر مخاطب از خبر آگاهی داشته باشد، هدف گوینده، دادن خبر تازه به شنونده نیست، بلکه غرض او از خبر، یکی از لوازم حکم است که به آن لازم فایده خبر می‌گویند» (انزایی‌نژاد، ۱۳۶۷: ۶۱).

۱.۳.۴. بررسی کارکرد خبر بر اساس حال مخاطب

گفته شد که خبر بر اساس احوال مخاطب به دو بخش ابتدایی و طلبی، انکاری تقسیم می‌شود. در این بخش، کارکرد انواع خبر بر اساس حال مخاطب، بررسی و تحلیل می‌شود؛ زیرا طرح این موضوع بر اهمیت عکس‌العمل مخاطب نسبت به کلام دلالت دارد و می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت متکلم درباره سطح آگاهی مخاطب و انعکاس آن در نحوه بیان مطلب باشد.

۱.۱.۳.۴. خبر طلبی

گاهی اقتضا می‌کند که شاعر مخاطب غیرمنکر را مردّد یا منکر فرض کند؛ بدین معنی که اصل اولیه در کلام آن است که کلام برای این گونه مخاطبان بدون تأکید آورده شود و در حالی که مخاطب تردید و انکاری ندارد، او را منکر فرض کرده، کلام را با مؤکدات مختلف می‌آورند.

در علم معانی، به این حالت اصطلاحاً «اقتضای حال» می‌گویند؛ یعنی گوینده مخاطب را منکر فرض می‌کند و سخن خود را با تأکید می‌آورد. علت این مطلب آن است که مخاطب به حقیقت اقرار نمی‌کند. در ابیات تعلیمی، کارکرد و بسامد انواع خبر،

دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است و توجه به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او تعیین‌کننده میزان استفاده از انواع جملات خبری است. از آنجا که اقتضای تعلیم و آموزش بر تأکید استوار است، وحشی برای انتقال مؤثرتر مفاهیم اخلاقی، از جملات خبری طلبی بیشتر از خبر ابتدایی بهره برده‌است.

بنابراین، او با در نظر گرفتن احوال خوانندگان شعر خود، به‌ویژه حالت تردید یا انکار برخی مخاطبان، سعی می‌کند جملات خبری را با تأکید بیشتر و به شکل جملات طلبی بیان کند، تا از یک سو، بتواند اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکلی قاطع‌تر به مخاطب منتقل کند و از سوی دیگر، حضور فعال مخاطب را در اثر خود نشان دهد. به طور کلی، تعاریف جملات خبری و تقسیم این جملات به خبر ابتدایی، طلبی و تأکیدی نشان می‌دهد که ماهیت این جملات بر وجود مخاطب، خواه درجه اول و خواه دوم و سوم استوار است، به‌ویژه به هنگام کاربرد خبر طلبی، آوردن تأکید در جمله و اصرار بر اثبات سخن از سوی شاعر، زمانی منطقی خواهد بود که او به حضور مخاطبی در متن خود اعتقاد داشته باشد و ممکن است با او هم عقیده نباشد. بنابراین، وحشی با کاربرد هر یک از انواع جملات خبری به طور ضمنی بر حضور مخاطب تأکید می‌کند و در مواردی نشان می‌دهد که این مخاطب، مردد یا منکر هم می‌باشد. بسامد بالای جملات خبر طلبی نشان می‌دهد که شاعر برای انتقال اندیشه‌های تعلیمی خود سعی داشته‌است از جملاتی بهره ببرد که تأکید و قاطعیت بیشتری دارند تا حتی مخاطب مردد یا منکر را نیز وادار به پذیرش کند. از مهم‌ترین شیوه‌های تأکید و آوردن خبر طلبی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

○ استفاده از جملات خبری با غرض امر مؤکد و در قالب تنبیه و تحذیر: این ساختار برای جلب توجه مخاطب استفاده می‌شود و بر بار تأکیدی جمله می‌افزاید.

«نور فشان گرچه بسوزی به داغ کسب کن این قاعده را از چراغ
باید اگر سوخت، بساز و بسوز خانه تاریک کسی برفروز»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۹).

○ مبالغه در وصف:

«چَرغ که شد تشنه به خون غزال مروحه جنبان شود از زور بال»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

○ استفاده از ضمیر مشترک:

«مار که بر دست خودت جا دهی زود بری دست و به صحرا بری»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۵).

«در صفت خویش سراسر زبان»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۱).

«تا شود آن بر خریّت پرده‌پوش»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۹).

«خلق نکرد از پی جمع زرت»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۶).

در همه جا نامورش می‌کنی
به ز تو شهرت که دهد نام کس
کش تو کنی عیب شماری شعار
گرد تو گشت از تو در آتش نشست»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).

کرد که یک بد که عوض سد ندید»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).

خالق ما، رازق ما را سزد»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۱).

«خاک شود آخر اگر آهن است»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۵).

دور نشین از همه گردون مثال
تا طلبندت به سد افسونگری»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۴).

«نام نهادت به هنر بی‌مثال»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۳).

«گر درمش هست، برای خود است»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۵).

«گرد تو گشت از تو در آتش نشست»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۸).

«چند شوی همچو گل بوستان

○ کاربرد ضمائر اشاره در ابتدای جمله:

«زان فکنی جامه اطلس به دوش

«آنکه فرستاد به این کشورت

«آنکه تو عیب هنرش می‌کنی
گر ز هنر نیست غرض نام و بس
آن هنران‌دیش شود نام‌مدار
آن که چو پروانه آتش‌پرست

○ تکرار کلمه:

«هر که بدی کرد، به جز بد ندید

«شکر و سپاسی که خدا را سزد

«هر که در این خاک عداوت فن است

○ کاربرد ادات تأکید:

«تا نشوی همچو زمین پایمال
روی به مردم منما چون پری

○ تکرار ضمیر:

«تو همه تن عیب و خوشامدسگال

«کبر و دماغش نه به جای خود است

«آنکه چو پروانه آتش‌پرست

○ تأکید به وسیلهٔ ادات قصر:

«پا بکش از صحبت هر بلهوس یار وفادار به دست آر و بس»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۹۵).

«هر که در این مزرعه شد دانه‌کار آرد از آن دانه همان دانه بار»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۷۰۷).

○ تقدیم آنچه باید مؤخر باشد:

تقدیم اجزایی که باید مؤخر باشد، قابلیت زبانی است که سبب ارتباط مؤثرتر با مخاطب می‌شود و به همین دلیل، در متون تعلیمی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به عنوان مثال، در ابیات زیر تقدیم مسند، سبب تأکید بر مفهوم کل جمله می‌شود و خواننده را در همان آغاز جمله به اهمیت پیام و دریافت آن راهنمایی می‌کند:

«سفله که تیز است به راه ستیز چون دم خدمت زند، از وی گریز»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

«فرض بود بر همه شکر و سپاس شکر و سپاسی نه به حد قیاس»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۸۱).

○ تأکید با حروف منفی که موجب قصر کلام نیز می‌شود:

«کاین سخن از اهل خرد یاد دار دست مکن باز به سوراخ مار»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

«هر مگسی را نبود انگبین هر نی خودرو نشود شکرین»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۹۵).

«گر نبود همت ازین نه صدف گوهر مقصود که آرد به کف»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۶۸۷).

«شمع نه‌ای، جامه شمعی چه سود روشنی شمع نیاید ز دود»
(وحشی باقی، ۱۳۶۲: ۷۰۳).

۴. ۳. ۱. ۲. خبر ابتدایی در ابیات تعلیمی

آن دسته از جملات خبری که از تأکید خالی باشند، «خبر ابتدایی» نامیده می‌شوند. در این حالت، مخاطبی در تصور متکلم خلق شده که در برابر خبر، حالت شک یا انکار ندارد. وحشی با در نظر گرفتن احوال مخاطب خود، گاهی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خویش از جملات خبر ابتدایی بهره می‌برد و از این طریق، از مخاطبی که مردد یا منکر نیست، به صورت عاملی برای گرفتن تأیید درونی و ذهنی نسبت به اندیشه و آموزه‌های تعلیمی خود استفاده می‌کند:

«شکر و سپاسی که خدا را سزد خالق ما، رازق ما را سزد
 رازق ما آنکه به خوان نعم خواند جهان را به وجود از عدم
 هست جهان سفره احسان او اهل جهان زله خور خوان او»
 (وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۱).

قابلیت این دسته از جملات خبری در پذیرش مفاهیم تعلیمی و انتقال معانی ثانوی، امکانات گوناگونی برای وحشی فراهم آورده است تا با این جملات، اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکل مؤثرتری بیان کند. به طور کلی، به هنگام تعلیم میزان تأثیرگذاری نوشتار از گفتار کمتر است؛ زیرا در گفتار عواملی مانند آهنگ کلام، تکیه‌ها و درنگ‌ها، حالات دست و صورت و از همه مهم‌تر، حضور مستقیم مخاطب به یاری متکلم می‌آیند تا کلامی مؤثرتر داشته باشد. بنابراین، در متن‌های تعلیمی، به سبب حضور نداشتن متکلم و مخاطب به صورت مستقیم، دانش و اطلاعات متکلم در زمینه علم معانی می‌تواند بسیار کارگشا باشد. وحشی شاعری است که با تکیه بر این دانش و ظرفیت جملات در پذیرش معانی ثانویه، به هنگام بیان اندیشه‌های تعلیمی خود، برای جبران ضعف شیوه نوشتاری، جملات خبری را با شیوه‌های متفاوت و با معانی ثانوی به کار می‌برد و از این طریق، بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد. به نظر می‌رسد که هنگام بیان اصول اخلاقی و تعلیمی، تمام خوانندگان این اثر در مد نظر شاعر بوده‌اند. به همین دلیل، وحشی برای تأثیرگذاری بیشتر بر این دسته از مخاطبان و انتقال پیام به آن‌ها، از روش‌های متنوعی در شیوه بیان خود بهره می‌برد. این شیوه‌های متنوع در کاربرد خبر ابتدایی، سبب انتقال بهتر پیام در اثر مذکور شده است.

○ بیان خبر ابتدایی همراه با اطناب

خبر ابتدایی در خلد برین گاهی با اطناب و شرح در ابیات بعدی همراه است. شاید خالی‌الذهن بودن مخاطب و ناآگاهی او یکی از دلایل این اطناب و شرح باشد؛ به عنوان مثال، شاعر در ابیاتی که در مذمت انسان‌های بد و ستایش عزلت و گوشه‌نشینی آورده در چند بیت متوالی و با استفاده از جملات خبر ابتدایی به این موضوع می‌پردازد و از طریق اطنابی که در محور عمودی ابیات به وجود می‌آورد، باعث تأثیرگذاری بیشتر و انتقال سریع‌تر پیام اخلاقی خود می‌شود:

«بگذر از این طایفه ماروش خیز و منه پا به سر راهشان
 بر صفت مار به آزار خوش لیک کنند دم فرصت هلاک
 دور نشین از همه گردون مثال تا نشوی همچو زمین پایمال»

روی به مردم منما چون پری
رخ منما وز همه در پرده باش
تا چو کند یاد تو در دل گذار
بگذر از این طایفه پرده در
رسم وفا نیست در اهل جهان
باش به عزلتگه خود پا به گل
تا طلبندت به سد افسونگری
بر صفت روز گذر کرده باش
روی دهد گریه بی اختیار
پرده نشین باش چو نور بصر
همچو وفا پای بکش از میان
تا نروی از در کس منفعلی
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۴).

○ استفاده از جملات دعایی همراه با جمله خبری

در بررسی ابیات تعلیمی مشخص شد که گاهی شاعر برای افزایش بار عاطفی جمله و تأثیر بیشتر بر مخاطب، پیام اخلاقی خود را در قالب خبر ابتدایی و همراه با جمله دعایی بیان کرده است:

«آینه دل که پر از نور باد از نفس تیره دلان دور باد»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۶).

○ استفاده از حرف پیوند «که» در جملات اسنادی

در این دسته از جملات، اگرچه شاعر اندیشه تعلیمی خود را در قالب خبر ابتدایی بیان می کند، اما از طریق حرف پیوند «که» به طور ضمنی برای سخن خود دلیلی می آورد و از این طریق، باعث جلب توجه مخاطب می شود. در علم معانی، این کاربرد حرف «که» را می توان نوعی اطناب و از نوع ایضاح پس از اطناب دانست:

«خیز و میفکن به درستان نظر زانکه زبان بصر است آن نظر»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۵).

۳. ۱. ۳. ۴ . مقاصد ثانویه خبر در ابیات تعلیمی ناظر و منظور

با اینکه در ابیات تعلیمی ناظر و منظور، در مواردی خبر در معنای حقیقی به کار رفته است، اما بیشتر جملات خبری در معنای ثانویه آمده است. گفته شد که معانی ثانویه خبر، منشاء کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است؛ به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی خبر میسر می شود. در بررسی ابیات حیطة پژوهش، بیشترین اغراض ثانویه خبر عبارتند از:

○ ابراز تأسف و اندوه:

«نیست ز رنج حسد امید زیست وای به جان تو علاج تو چیست»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۷).

○ تشویق:

«به که در خانه برآری به گل
تا نیروی از در کس منفعل»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۵).

«گر تو برآنی که به جایی رسی
صافدلی را به مقابل گرای
رسته ز ظلمت به صفایی رسی
تا شودت زآینه ظلمتزدای»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۸۷).

○ هشدار:

«این همه غم از پی عالم مخور
محنت عالم گذرد، غم مخور»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

«آنکه زدی شعله خشمش جهان
لاف وفايي که زند مشنو آن»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

«لب بدران حرص دهن باز را
ای به غم آب و علف پای بند
میل بکش چشم بد از را
چون سگ نفست نرساند گزند»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۵).

«زر نه متاعی است، بلایی است زر
الحذر ای زرطلبان، الحذر»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۶).

○ توبیخ:

«ای ز حسد با همه عالم به جنگ
نیست ز رنج حسد امید زیست
زین عمل بد همه عالم به تنگ
وای به جان تو علاج تو چیست»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۱۷).

«نان سر خوان لئیمان مخور
آب بقا باد بر او ناگوار
زهر خور و سبزی هر خوان مخور
کز پی نان است سگ داغدار»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۴).

«بخت تو بر چیست؟ چه داری بگو
لاف ز بالای پدر می کنی
کیستی و در چه شماری، بگو
خود بنما تا چه هنر می کنی»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۷۰۱).

«مهر خموشی به لب خویش نه
پستی خود را نکنی فاش به»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۱).

○ اظهار ناتوانی و ضعف:

«گریه کنان از غم دل تا به کی
پای به گل چند نشینی بکوش
سبزه صفت پای به گل تا به کی
زهر طلب در ره یاری بنوش»
(وحشی بافقی، ۱۳۶۲: ۶۹۴).

۲.۳.۴. اغراض ثانوی خبر

گاهی جملات خبری از قصد اولیه و اصلی خود (دادن پیام به مخاطب) خارج می‌شوند و برای اغراض دیگری به کار می‌روند که به آن معانی ثانوی می‌گویند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۶). قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، اخبار است؛ یعنی انتقال پیامی به مخاطب. اما از جملات خبری برای اغراض دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی بررسی می‌شود. گاهی مقاصد دیگری وظیفه اصلی، یعنی اخبار را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ بدین معنی که معانی ثانوی جمله خبری یکی از لوازم آن است؛ مثلاً اگر به کسی بگوییم که «من پیر شدم»، ممکن است مقصود ما یکی از لوازم این اخبار، مثلاً اظهار تأسف و اندوه باشد، نه خود نفس خبر و این بستگی به مقتضای حال و مقام دارد. پس در هر حالی، کلام یا خبر با توجه به اوضاع و احوال فهمیده می‌شود. بر این اساس، می‌توان جمله‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. نخست جمله‌هایی که هدف از آن‌ها آگاه کردن مخاطب است و دسته دیگر، جملاتی که در آن‌ها احساسات و عواطف اظهار می‌شود. در نوع اول، هدف متکلم فقط اعلام خبر است، بدون در نظر داشتن اقتضای حال مخاطب. اما در نوع دیگر، گوینده مخاطب سخن را در نظر داشته‌است و سخن خود را با توجه به او شکل داده‌است. در این دسته از جملات، متکلم قصد اخبار و اعلام ندارد، بلکه احساس و عاطفه خود را از طریق جمله خبری به مخاطب منتقل می‌کند. در جملات خبری دسته اول، ارتباط با مخاطب از طریق برجسته کردن موضوع شکل می‌گیرد، اما در نوع دوم، جهت‌گیری اصلی پیام به سوی فرستنده است؛ یعنی فرستنده با بیان خبر می‌خواهد، یکی از ماهیت‌های درونی خود را اظهار کند. در حقیقت، این ویژگی خبر همان اغراض ثانویه خبر است که یکی از موضوعات اصلی علم معانی محسوب می‌شود. در بررسی اشعار تعلیمی *خلد برین*، ۶۹ درصد از پیام‌های تعلیمی شاعر در قالب جملات خبری بیان شده‌است و این امر نشان‌دهنده اهمیت این دسته از جملات در انتقال پیام‌های تعلیمی این اثر است. می‌توان گفت در ابیاتی که رویکرد تعلیمی دارند، امر و نهی‌های پی‌درپی موجب دلسردی مخاطب می‌شود. به همین دلیل، وحشی برای حفظ جذابیت اشعار تعلیمی، کوشیده‌است بیشتر از جمله‌های خبری مخاطب‌محور بهره برد و با استفاده از روش‌های متفاوت تأکید در این دسته از جملات به هدف تعلیمی خود دست یابد. برای بررسی و تحلیل انواع خبر بر اساس حال مخاطب، جملات خبری از نظر طلبی، ابتدایی، انکاری و نیز اغراض ثانویه در این اثر بررسی شدند. بررسی جملات خبری از این منظر، علاوه بر اینکه تصور ذهنی شاعر را درباره سطح ادراک

مخاطب نشان می‌دهد، اهداف او از بیان مطلب را تبیین می‌کند و معانی ثانوی، قابلیت‌های خبر و کارکرد آن را نیز در برقراری ارتباط و انتقال پیام نشان می‌دهد.

۵. نتیجه

بررسی ابیات تعلیمی خلد برین و بسامد آن‌ها در این اثر نشان می‌دهد که وحشی در اشعار خود از حکمت و پند و اندرز غفلت نمی‌کند و سعی می‌کند بر افکار و اندیشه مخاطبان خود تأثیر بگذارد. بسامد کاربرد جملات انشائی و خبری در این ابیات از روش‌های مؤثر او برای ارشاد مخاطب و انتقال مفاهیم اخلاقی به شیوه‌های گوناگون با معانی ثانویه است. وحشی در بسیاری از ابیات سعی دارد مخاطب خود را از طریق هشدار آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به مقوله هشدار و تحذیر را بهره‌گیری از جملات پرسشی می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات پرسشی در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معانی ثانویه آن‌ها مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد. به هنگام کاربرد جملات پرسشی، وحشی معنای ثانویه توبیخ و ملامت را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت، او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم، سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی، ساده و صمیمی ملامت به این مهم دست یابد. وحشی برای دل نبستن به دنیا، توبیخ حرص و طمع، عزلت و گوشه‌نشینی و... این دسته از جملات را استفاده می‌کند و سعی می‌کند با ابزار بلاغی پرسش، خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه کند و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد. پس از توبیخ و ملامت، بیشترین جملات پرسشی در معنای انکار هستند. در استفهام انکاری، هدف اصلی، اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است. بنابراین، وحشی از این ابزار بلاغی نیز با زیرکی در راستای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون اینکه به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته سازی پیام است. بنابراین، وحشی از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند. بسامد انواع خبر در ابیات تعلیمی وحشی، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است. همچنین، استفاده از انواع جملات خبری نشان‌دهنده توجه شاعر به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او در بیان اندیشه‌های تعلیمی است. از این رو، وحشی در درجه نخست از خبر طلبی که تأکید بیشتری دارد، برای بیان و انتقال پیام خود بهره گرفته است و پس از آن، از جملات خبری ثانویه استفاده کرده است. یکی دیگر

از راه‌های ارشاد و تأثیرگذاری او بر مخاطب، کاربرد جملات امر و نهی است. این دسته از جملات با توجه به محتوای ابیات در بسیاری موارد، در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند. اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها، توییح است. وحشی از طریق جملات امری، مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون کند.

منابع

- ارسطو (۱۳۷۱)، *ریطوریکا (فن خطابه)*، ترجمه پرخیده ملکی، تهران، اقبال.
- انزایی نژاد، عبدالحسین (۱۳۶۷)، *اصول علم بلاغت در زبان فارسی*، قم، الزهرا.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *فرهنگ نامه ادبی فارسی*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقا حسینی، حسین، محمود براتی و فاطمه جمالی (۱۳۹۰)، «اهمیت پرسش در متون عرفانی»، *کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی (کاوش نامه)*، س ۱۲، ش ۲۲، صص ۱۳۱-۱۶۰.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود (بی‌تا)، *مختصرالمعانی فی تلخیص المفتاح*، قم، مصطفوی.
- تقوی، نصرالله (۱۳۶۳)، *هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*، اصفهان، فرهنگسرای اصفهان.
- رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹)، *معالم البلاغه*، شیراز، دانشگاه شیراز.
- رضانژاد، عبدالحسین (۱۳۶۷)، *اصول علم بلاغت در زبان فارسی*، قم، الزهرا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، *بیان و معانی*، تهران، فردوس.
- صادقیان، محمدعلی (۱۳۷۱)، *طراز سخن در معانی و بیان*، یزد، ریحانه الرسول.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۵)، *معانی زیباشناسی سخن پارسی*، تهران، کتاب ماد.
- محمودی، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصر خسرو (با تکیه بر دیوان قصاید)»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، س ۷، ش ۲، (پیاپی ۲۴)، صص ۲۵۱-۲۶۶.
- میرباقری فرد، علی اصغر و محمدی، معصومه (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین القضاة همدانی»، *مجله پژوهش‌های ادبی*، سال ۷، شماره ۲۹، ص ۱۶۶.
- نجاریان، محمدرضا (۱۳۹۰)، «چندگانگی و چندگونگی مضمون در دیوان سعید نقشبندی یزدی»، *مجله پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، سال سوم، شماره دهم.
- وحشی بافقی، کمال الدین (۱۳۶۲)، *دیوان اشعار*، تصحیح م. درویش، تهران، جاویدان.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۸)، *جواهر البلاغه*، ترجمه حسن عرفان، قم، بلاغت.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۴)، *معانی و بیان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، هما.